مجله پژوهش های معاصر در علوم و تحقیقات
سال سوم، شماره ۲۹، آذر ۱۴۰۰
ISSN: ۲۶۷۶-۵۷۶٤
www.jocrisar.ir

نقش گیاهان در فرهنگ مازندران و بازتاب نمادین آن در صنایع دستی مازندران با رویکرد سپهر نشانه ای (مطالعه موردی دست بافته ها)

اسماعیل بنی اردلان [۱] ، زهرا رضائی پیرزمان [۲]

[۱] عضو هیئت علمی دانشگاه هنر، دانشیار (نویسنده مسئول)
[۲] دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش و هنر، مؤسسه آموزش عالی طبری بابل

چکیده

فرهنگ نقشه راه و شناخت انسان هاست و صنایع دستی بخشی ارزشمند از فرهنگ مردم و پل ارتباطی هنر-صنعت و هویت بین نسلی است که تداوم آن از گذشته تا به امروز نوعی پیوند و انسجام درون فرهنگی را نشان می دهد.ایران از اقوام با آداب و رسوم متنوعی تشکیل شده که هر کدام از این اقوام با توجه به تاریخ و فرهنگ خود در صنایع دستی و هنرهای سنتی حرف های بسیاری برای گفتن دارند. در فرهنگ و هنر مازندران که مردم در ارتباط پیوسته با طبیعت هستند،گیاهان جایگاه ویژه ای دارند. در این پژوهش به جهت حفظ اصالت قومی و اهمیت گیاهان،نقش مایه های موجود در هنرهای بومی منطقه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته شده است و جنبه های نمادین آن ها بررسی شده است.با توجه به نتایج بدست آمده در مازندران ،نقوش گیاهی تحت باورهای دینی و فرهنگی منطقه به تصویر درآمده است.انتخاب نمونه ها در این پژوهش بدین صورت است که هنرهایی که به لحاظ اجرا و نقوش بکار رفته در آن دارای سابقه می باشند انتخاب گشته است.روش دیگر منقوش بودن اثر میباشد.در این راستا با استفاده از روش های استدلال منطقی و تاریخی-تفسیری به بحث پیرامون نمادشناسی و بازتاب نمادین نقوش گیاهی در هنرهای بومی منطقه پرداخته شد.در بعضی موارد در مطالعه موردی دست بافته ها بعضی از آثار از طریق تحقیق میدانی مورد بررسی قرار گرفته است. در انتها بعد از شناسایی نقوش گیاهی و نقش نمادین آنها در دست بافته‌ها به تحلیل آنها با رویکرد سپهر نشانه ای خواهیم پرداخت.

واژه‌های کلیدی: مازندران، هنر بومی، نقوش گیاهی، نمادشناسی، سپهر نشانه ای

مقدمه

فرهنگ به ویژه بخش مادی یا معنوی آن ، سازنده هویت هر یک از اقوام و ملل بوده و هویت فرهنگی از اصلی ترین عناصر هویت ملی بشمار می آی د تا جایی که هویت ملی را گاه با آن تعریف می کنند، واقغیتی است که در ژرفای روح و جان ملت ریشه دوانده و از چنان ثباتی برخوردار است که گویی خلق و خوی مرد م یا طبیعت ثانوی شان شده است.

«حوزه فرهنگ ایران متشکل از خرد حوزه های فرهنگی متعددی است که قومیت ها و گروه های زبانی، محلی و بومی مختلفی در آن ساکن هستند.» (حسنی، ۱۳۹۵: ۹-۳۳)

«در گستره ایران زمین، فرهنگ غنی، طبیعت زیبا و هنرهای فراوانی نهفته است. هنر – صنعت (صنایع دستی) از جمله آثار هنری مردم ایران است که شامل دست ساخته ها و ابداعاتی می شود که هنرمندان با کم ترین سواد و ساده ترین امکانات، در نهایت زیبایی آن ها را خلق کرده اند.هنرهای دستی توسط مردم عادی و به صورت خودجوش ابداع می گردند و تحت تاثیر آیین و باورهای قومی هستند.استفاده از عناصر و مصادیق فرهنگ بومی در آثار هنری یکی از وجوه مطرح در هنر فرهنگ های پرسابقه و کهن است.» (حجازی، ۱۳۹۱، ۱۳)

مازندران با توجه به شرایط مطلوب آب و هوایی و زیست محیطی مورد توجه قرار گرفته است.یافته های تاریخی نشانگر آن است که قدمت و دیرینه صنایع دستی در مازندران سابقه ای برابر با تاریخ ایران زمین دارد.بدین منظوربرخی از آثار هنرهای کاربردی در استان مازندران جهت بررسی درنظر گرفته شده است .امروزه در این استان ۶۰رشته هنری در فعالیت می باشد.برخی از این هنرها نظیر دست بافته ها و حصیر بافته ها می باشند .انتخاب نمونه در این پژوهش بدین صورت میباشد : هنرهایی که به لحاظ شیوه اجرا و نقوش به کاررفته دارای سابقه می باشند. این قبیل هنرها،آثار هنرمندانی گمنام،بی سواد یا کم سواد هستند که ارتباط اجتماعیشان محدود به منطقه زندگیشان بوده و به طور معمول هنرشان را از پدر و مادرشان به ارث آموخته اند.برخی از نمونه های هنرهای بومی مازندران مانند حصیربافی،صنایع فلزی ، شیشه گری،چوقابافی و ...به لحاظ فرمی اهمیت دارند ولی از آرایه های تزیینی بری اند.از میان هنرها، هنرهای کاربردی که مردم در زندگی روزمره با آن در ارتباط ان د به دو بخش عمده بافته ها وغیربافته ها تقسیم می شوند.اغلب آثار در زمره بافته ها قرار می گیرند که هنر خاص زنان هستند. زنان که نیمی از جمعیت کشور را شامل می شوند،حلقه اتصال فرهنگ،هنر و معنویت،از گذشته تا به امروز بوده اند.زنان هنرمند و پرتلاش روستایی از هر لحظه حیات خود برای تولید بهره می گیرند و نماد واقعی کاروتلاش ماندگار هستند.آن ها ضمن انجام امور جاری خانه، نقش بسزایی در تولید هنر-صنعت بومی و ملی دارند و به چرخه اقتصاد خانواده یاری می‌رسانند. تولیدات این هنر-صنعت در خوداشتغالی زنان، رونق صنایع دستی بومی، توسعه اقتصاد، خانواده، جامعه و حفظ سبک زندگی بومی بسیار حایز اهمیت است.دست بافته ها بیشتر در مناطق کوهستانی انجام شده اند که مردم این منطقه در ارتباط کمتری با زندگی ماشینی بوده اند بنابراین از لحاظ نقوش غنی‌تراند.

تعریف مسئله و اهداف تحقیق:

مازندران به عنوان یکی از استان های شمالی کشور با وجود مرزهای طبیعی مانند کوه و جنگل فرهنگ خاص تقریبا متفاوتی با سایر استان ها دارد.این فرهنگ با آداب و رسوم خاص خود هنری خاص را نیز در خود پرورش داده است.هنرهایی مانند دست بافته ها از جمله چادرشب بافی،نمد بافی،پارچه های سنتی،گلیم بافی و. ....

در مازندران به دلیل جایگاه پراهمیت عناصر طبیعی استفاده از نمادهای گیاهی در هنرهای گوناگون امری متداول بوده است.در این پژوهش سعی بر آن است تا نقوش گیاهی بکار رفته در دست بافته های بومی مازندران و مفاهیم مرتبط با عناصر گیاهی که در فرهنگ و هنر بومی مازندران جایگاه مهمی دارد بررسی شود.

اهداف تحقیق:

۱-شناخت جایگاه نمادین گیاهان در فرهنگ مازندران

۲-شناخت باورها و آداب مردم بومی مازندران از طریق مطالعه نقوش گیاهی به کار رفته در هنر بوم ی

۳-تعریف رویکرد سپهر نشانه ای و جایگاه آن در بازتاب نمادین نقوش گیاهی در هنر بومی مازندرا ن

سؤالات تحقیق:

۱-نقوش گیاهی بارز در دست بافته های مازندران کدام است؟

۲-چه ارتباطی بین مفاهیم نقوش گیاهی در هنر مازندران و باورهای عامیانه ی مردم وجود دارد؟

۳-سپهر نشانه ای چیست و جایگاه کاربرد آن در بازتاب نمادین نقوش گیاهی در هنر بومی مازندران چیست؟

فرضیه ها:

برای پاسخ گویی به سؤالات مطرح شده و دستیابی به اهداف تحقیق فرضیات زیر درنظر گرفته شده است:

۱-فرهنگ بومی،نقوش گیاهی هنر بومی مازندران را تحت تأثیر قرار داده است.

۲- نقش مایه های هنر بومی مازندران با تأثیر از باورها و اعتقادات مردم منطقه دارای مفهوم نمادین است.

۳-هنرمند نقوش گیاهی با الهام از طبیعت(در قالب یک نظام کلی)بصورت نمادین ارائه نموده است که هر یک از نمادها بعنوان نشانه هایی از یک نظام واحد در نظر گرفته می شوند.

پیشینه تحقیق:

در رابطه با هنر بومی مازندران تعداد کمی کتاب یافت می شود. مصطفی رستمی در کتاب «دست بافته ای سواد کوه» به بررسی دست بافته های بخشی از منطقه ی مازندران پرداخته اند.

ناهید پاکزاد در کتاب «دست بافته های روستایی مازندران» به بررسی دستبافته های ۱۲۰ روسنای مازندران پرداخته و نقش و نگارهای روی آنها (جوراب و دستکش) را مورد بررسی قرار داده است. این کتاب یک اثر پژوهشی و حاصل تحقیقات میدانی این محقق در ۱۲۰ روستای مازندران است که در این کتاب انواع نقوش دست بافته های مختلف روستایی مازندران، نمادها وفلسفه آن مورد پژوهش قرار گرفته است.

در مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد پیمانه عابدین نژاد با عنوان «پیوند نگاره های دست بافته های هزارجریب مازندران با فرهنگج و باورهای بومی منطقه» به بررسی نقش و نگارهای موجود در دست بافته ها و بررسی احیای دوباره ی این نقش ها پرداخته است.در این مقاله اشاره ای بر دستبافته ها به عنوان جلوه ای از باور فرهنگ بومی و گذشته ی یک سرزمین است که بی تردید فصلی با اهمیت از تاریخ هنر آن سرزمین را تشکیل می دهد و بیانگر چگونگی زندگی مردمان یک منطقه و بخش مهمی از فرهنگ و هویت آنان است.نقش و نگاره های بافته ها،زاییده ی ذهن خلاق بافنده ی آن و جلوه ای از هویت فرهنگی و باور یک قوم است و راهی ست برای انتقال پیام و موضوعی خاص که با بررسی نقش ها و آثار خلق شده توسط آنها،می توان ارتباط هنر و فرهگ اقوام مختلف را شناسایی کرد.

ضحا فلاح نیا در مقاله ی «دست بافته های دستگاهی زنان روستایی شیاده» که در نتیجه مصاحبه با تعدادی از ساکنین روستا حاصل شده است. به بررسی انواع صنایع دستی که از دست بافته های دستگاهی زنان است از جمله: جاجیم، چادرشب (جاشب)، گلیج (گلج) سفره، حوله، شلوار بند، چوغا و ... اشاره نمود.

در پژوهش حاضر به بررسی نقوش گیاهان در فرهنگ مازندران و بازتاب نمادین آنها در صنایع دستی(مطالعه موردی: دست بافته ها)پرداخته و در انتها با بیان نظریه سپهر نشانه ای از منظر لوتمان به تحلیل آن خواهیم پرداخت.

تعریف مفاهیم:

فرهنگ:فرهنگ کل پیچیده ایست شامل زبان،آداب و رسوم، تاریخ،اسطوره،حافظه ی جمعی،دین و باورهای اعتقادی ،معماری،علم،فلسفه و ... که در یک جامعه وجود دارد و از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود و افراد جامعه آن را از طریق آموز ش کسب می کنند (حسنی، ۱۳۹۵: ۹-۳۳)

فرهنگ بومی:هنگامی که کل پیچیده ی فرهنگ تحت تاثیر دلالت های توپولوژیک و محیطی قرار می‌گیرد به گونه ای که بتوان تاثیر بوم و زیست را در آن مشاهده کرد،آن را فرهنگ بومی می نامیم. بنابراین از آن جا که در مازندران رابطه ی فرهنگ و محیط(بوم)رابطه تعاملی و تنگاتنگ است، می توان از فرهنگ بومی مازندران سخن گفت. (حسنی، ۱۳۹۵، ۹-۳۳)

هویت بومی : هر فرهنگی در حیطه خود زاینده ی هویت آن است .هویت بومی را می توان آگاهی افراد از شباهت ها و تفوت های فرهنگ بومی خود نسبت به دیگران(خارج از محیط بومی خود)دانست. احساس تعلق و شناختی که افراد نسبت به فرهنگ خود دارندو تلاشی که برای حفظ و تداوم آن در آینده دارند.در واقع برای حفظ هنر بومی باید شناخت افراد نسبت به فرهنگ بومی را مورد بررسی قرار داد و اینکه افراد چقدر عناصر بومی را می شناسند؟ (حسنی، ۱۳۹۵، ۹-۳۳)

هنر بومی :شامل آثار و صنایعی هستند که توسط افراد بومی منطقه تحت تأثیر باورها و عناصر شکل دهنده ی فرهنگ بومی منطقه ایجاد می شوند.این آثار بیشتر توسط افراد عادی (یا بیسواد) که این هنر را از پدران و مادران خود به ارث برده اند ایجاد می شود.بیشتر این افراد شامل زنان می شود که بیشترین نقش را در شکل گیری آثار هنری دارند .آثاری که نقوش آنها گاه با الهام گیری از طبیعت،گاه طرح هایی نشأ گرفته از ذهن هنرمند داشته اند.

فرهنگ مازندران : فرهنگ بشر، تعریف، بازیابی و تکامل توانایی ها، ارزش ها، هویتها، باورها، هنجارها، اسطوره ها و نمادهای بشری است و در مازندران بیشترین درجه تأثیر پذیری از طبیعت از سوی فرهنگ است.فرهنگ مردم مازندران شامل ویژگی های کلی زبان،مذهب و آداب و رسوم آنها می گردد.اهالی مازندران به زبان فارسی و گویش مازندرانی تکلم می کنندکه تقریبا در همه جای استان متداول است و این گویش از روستایی به روستای دیگر با تفاوتی جزئی تغییر می کند. در میان آئین های بزرگ پیش از اسلام در ایران «مهرپرستی» آئینی است که در آن توجه به خورشید و احترام به آندیده می شود. میترائیسم باوری بوده که به همراه دین زرتشتی در میان جامعه

مازندران در پیش از اسلام و قرون اولیه اسلامی رواج داشته است .از آئین های سنتی مازندران که امروزه فقط در بعضی از روستاها هنوز وجود دارد می توان به نوروزخوانی،چهارشنبه سوری،جشن نوروزماه،مراسم تیرماه سیزده شو،مراسم ورف چال(چاه برف)،آفتاب خواهی،گرفتن ماه و خورشید و ... اشاره کرد.مسائل گوناگون باورها و اعتقادات یک قوم را می سازد.باورها و اعتقادات شامل بینش و تفکری است که هر فرد در جهان خودش آن را پذیرفته و می تواند جنبه مادی یا دنیایی یا معنوی و حتی خرافی داشته باش د که در بین این ها اعتقادات ماورایی بر ایجاد

نقوش هنرهای سنتی بسیار تأثیر می گذارد.اعتقاد انسان به مسائل ماورایی در جهت پاسخ به سؤالات معنوی اش بوده است که در گ ذشته پاسخ این سؤالات را با اعتقاد به جادوگری و اعتقاد به جادوگری و اعتقاد به خدایان خورشید و ماه و گیاه و باد و باران و ... بوده است. (حجازی، ۱۳۹۱، ۱۲)

چهارچوب نظری:

نماد ، نشانه ، رمز :نماد کلمه ایست که معنایی فراتر یا غیراز لفظ خود را القا می کند .نمادها یا رموز ، زندگی بشر را آکنده اند،به گونه ای که هیچ بخشی از زندگی انسان خالی از رمز نیست.شاید تنها چیزی که بتوان آن را با اطمینان ویژه انسان دانست،توانایی اندیشیدن انتزاعی و نمادپردازی باشد .اندیشه انتزاعی هنگامی شکل می گیرد که به مفاهیم تجریدی(آنچه حس های پنج گانه از درکش ناتوانند) فکر کنیم.نمادپردازی آنجایی آغاز می شود که انسان برای یک جسم یا مفهوم،نامی برمیگزیند و یا آن را با شکل،رنگ یا علامتی به تصویر می کشد.بدین ترتیب انسان توانسته با رمزگذاری اندیشه هایش در قالب

نمادهای کلامی یا شمایلی راهی برای ماندگار کردن آنها بیابد.انسان با ابداع دو دسته رمزگان خاص خودش،زبان و الفبا،توانسته دانسته ها و تجربه هایش را به همنوعانش انتقال دهدو برای نسل های آتی بجا نهد.نمادها در ارتباط میان فرهنگ ها دست به دست می شوند .نمادها گاه مفاهیم متفاوتی را برای بازماندگان فرهنگ های گوناگون بازنمایی می کنند.حتی در درون یک فرهنگ نیز نمادها از نسلی به نسل دیگر ممکن است معانی تازه ای یابند.بنابراین معانی نمادین بر پایه قراردادهای اجتماعی در یک فرهنگ درونی می شوند.

نمادشناسی : اصطلاح نماد که در زبان انگلیسی و فرانسه - به فارسی نماد ترجمه شده-از ریشه مصدر یونانی آن:سمبالین به معنای بهم پیوستن و بهم انداختن گرفته شده است.سمبل، نماد، آیت و نشانه ای از شیء یا امری است که شیء یا امر دیگری را القا می کند.مثلا تاج نشانه سلطنت، کبوتر نماد صلح، شیر نماد شجاعت، گل سرخ نماد زیبایی و ....است.ساختار نمادگرایی بر اساسی ا ستوار است که تمام بخش های واقعیت را بهم می پیوندد و از بخش طبیعی بعنوان یک کل به بخش فوق طبیعی امتداد می یابد.با توجه به این تطابق کل طبیعت یک رمز است و به عنوان نمادی است که محتوای آن زمانی آشکار می شود که ما را از حقایق ماورایی(فوق طبیعت)آگاه کند.

«از خاصیت نمادگرایی آن است که نماد و آنچه که نمادمظهر است را درون یک نظام واحد وارد می کند، چراکه حرکت یا گردش را از سطحی به سطح دیگر محدود نمی کند بلکه تمامی این واقعیت را بدون این که تشخیص هر یک از میان برود و با دیگری آمیختگی غیرقابل تجزیه ایجاد کندبه صورت واحد درمی آورد.» (ستاری، ۱۳۶۶: ۱۴)

«پایه های حقیقی رمز گرایی واقعیتی است که همه بخش های واقعیت را بهم می پیوندد و یکی را به دیگری مربوط می کند و سرانجام از بخش طبیعی به عنوان یک کل به بخش فوق طبیعی امتداد مییابد.» (رنه گنن) هنرمند را شاید بتوان کسی دانست که معانی پنهان طبیعت را دریافته و آن را با زبان خاص خود زبان نمادین به صورت ظاهر عرضه می کند. خود، زبان نمادین، به صورت ظاهر عرضه می کند.

نمادگرایی در هنر:در حقیقت دین یکی از مهمترین عوامل شکل دهنده هنر،و هنر جلوه گاه زیباترین احساس‌های عرفانی در طول تاریخ بوده است.در هنر ایران هم بسیاری از آثار بجامانده بر مبنای مفاهیم نمادین به صورت نمادین به شکل انتزاعی طرح شده اند .هنرمندان ایرانی علاقمند بودند که سمبل های مذهبی و مفاهیم معنوی را به صورت رمز و نماد در قالب طرح و نقش های زیبایی ارائه دهند .زبان نمادین را میتوان بعنوان زبان همگانی انسان ها تلقی کرد.انسان علاقه دارد که اشیاء و اشکال ر ا به نمادها تبدیل کرده و آن ها را در فرهنگ و هنر و مذهب خویش وارد کند.حضور هر یک از نمادها در فرهنگ، تمدن و هنر انسان های معاصر در واقع بازگشت به مفاهیم ابتدائی و ذهنی گذشتگان است.در واقع نمادها شکل دهنده و نمایش دهنده مسائل جادویی و معنویی هستند که انسان های اولیه را به جهان متصل می کرده است.در درک نشانه ها و سمبل ها فقط خود سمبل مهم نیست بلکه تمامیت فرهنگ و اعتقادات به وجود آورنده نشانه ها و سمبل ها اهمیت دارد .می توان گفت که استفاده از عناصر نمادین در عرصه های فرهنگی و هنری نشأت گرفته از نیاز انسان برای درک و القای مفاهیم متعالی ست که برای بیان آنها از شیوه های غیر مستقیم استفاده شده است.هنرمند برای بازنمایی معانی ناب و اندیشه های فراتر از حد معمول از الفاظ و یا عناصر بصری و تصاویر هنری استفاده نموده است.

سپهرنشانه ای :لوتمان بیان می کند که هر متن باید به دنبال متن دیگری بیاید، هر تمدن توسعه یافته ای به دنبال تمدن توسعه یافته دیگری و هر اندیشه ای می تواند ریشه در اندیشه دیگری داشته باشد.تنها وجود سپهر نشانه ای است که پیام را پیام می کند،تنها وجود قوه فاهمه است که هستی قوه فاهمه را توضیح می دهد .همانطورکه درنظریه لوتمان، متن در نسبت با نشانه اولویت دارد، پس واحد نشانگی، نه زبان مستقل بلکه کل فضای نشانه شناختی فرهنگی است. این فضا همانی است که در اصطلاح سپهر نشانه ای می نامیم. لوتمان به ویژه بر این تأکید دارد که سپهر نشانه ای نه تنها حاصل جمع نظام های نشانه ای بلکه علاوه بر آن، شرط لازم وقوع هر نوع کنش ارتباط یا فرآیند ارتباط و ظهور هر نوع زبان است.کل فضای نشانه ای را می توا ن به مثابه مکانیسم واحدی در نظر گرفت. در این مورد، اولویت نه با این یا آن نشانه،بلکه با سیستم بزرگ تر یعنی سپهر نشانه ای است. سپهر نشانه ای همان فضای نشانه ای است که نشانگی خارج از آن نمیتواند وجود داشته باشد .تمرکز

لوتمان بر فرهنگ به دامنه وسیع تری کشیده می شود و آن عبارت است از فضای کل گرایانه ای برای مکانیسم نشانگی/معناپردازی.

بی قاعدگی و ناهمگنی ساختارهای نشانه ای در کنار ماهیت « مرز » سپهر نشانه ای از منظر لوتمان بر حسب مفهوم دیالوژیک آن تر سیم می شود.

جامعه آماری : اهمیت صنایع دستی در تداوم بخشی به زبان تصویری بر اهل فرهنگ و هنر پوشیده نیست.

بخصوص صنایع دستی روستایی و بومی اقوام مستقل که خصلت های جدا از ویژگی های صنایع دستی ملی و درباری دارند . این هنرهای دستی توسط مردم عادی و به صورت خودجوش ابداع می گردند، تحت تأثیر آئین ها و باورهای قومی هستند.استفاده از عناصر و مصادیق فرهنگ بومی در آثار هنری یکی از وجوه مطرح در هنر فرهنگ های پرسابقه و کهن است. انتخاب نمونه ها در این پژوهش بدین صورت است :هنرهایی که به لحاظ شیوه اجرا و نقوش بکار رفته در آن، دارای سابقه می باشند، انتخاب گشته است .هنرهایی که از زمانی نامعلوم به مرور زمان شکل گرفته و تا به امروز به حیات خود ادامه داده است .روش دیگر در انتخاب نمونه ها منقوش بودن اثر می باشد که بیشتر دست بافته ها در زمره این آثار قرار می گیرند .بافته ها هم به لحاظ نقوش غنی تراند و نیز به طور پایدارتری به حیات خود ادامه داده اند .دست بافته ها بیشتر در مناطق کوهستانی که تولید پشم از دام بیشتر است انجام می شود .گروه بافته های منتخب شامل هنرهای : ساچیم بافی، گلیم بافی، جاجیم بافی، قالی بافی، چادرشب، میل بافی، پاپیچ بافی و نمد بافی می باشد .به ؛یر از نمد بافی بقیه آثار خاص زنان است . از آنجایی که مازندران به سبب کشیدگی در کناره حاشیه دریای خزر،مناطق وسیعی را دربرگرفته است، هر کدام از آثار منتخب در شهر یا روستایی خاص شهره می باشند.آنچه در این پژوهش مورد توجه بوده، بررسی نقش گیاهان در فرهنگ بومی مازن دران بوده که ریشه در اعتقادات و باورهای مردم آن دارد .در ادامه به معرفی ویژگی های نقوش گیاهی و بازتاب نمادین آنها در آثار هنری(دست بافته ها)می پردازیم .ریشه یابی نقوش گیاهی و بازتاب نمادین آن ها

در صنایع دستی با تعریف نظریه و نمادشناسی لوتمان با رویکرد سپهر نشانه ای مورد بررسی قرار می گیرد.

در جدول شماره۱ گیاهانی که در دست بافته ها شاخص هستند از نظر نقش مایه ها و بازتاب نمادین نقشمایه هایشان بررسی شده اند.

جدول شماره ۱: نمادشناسی نقوش گیاهی

نقش مایه		نماد
درخت	درخت گیاهان	زندگی – مادینگی – رابط آسمان و زمین
	سرو	درخت حیاط جاودانی – همیشه بهاری – آزادی و جوانی
	چنار	طول عمر – سرسبزی و برکت – نعمت بخشی
گل	کمک شاخه	نماد خورشید – ۴ فصل سال – نماد میترا – امام هشتم
	چهارپر	۴ فصل سال – ۴گوشه زمین – خورشید – عناصر ۴ گانه
	هشت پر	باغ و بهشت – شادی و زیبایی – خیرخواهی
دانه	دانه برنج	نماد برکت – فراوانی – کسب روزی

منبع: نگارنده

در جدول شماره ۲: نمونه های موردی از دست بافته های شاخص استان که در آن ها از نقشمایه های گیاهی استفاده شده است به همراه تصویرشان قرار داده ایم.

دست بافته ها	تصویر	نقش مایه
نماد		نقش درخت و محراب
		نقش گل چهارپر و در مرکز
		گل هشت پر
جاجیم	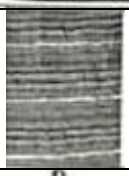	بینجوک
		گل تک شاخه
گلیج		نقش گت گل (گل ۸ پر)
چادرشب		گل و بوته دار
		نگاه درخت
پاپیچ		حاشیه تزئینی
قالیچه با پادری		نقش درخت زندگی و پرندگان محافظ

مبل بافی		نقشمایه دار
		نقش واش تی تی
		نقش انار تی تی
ساجیم		گل ۴ پر
گلیم		نگاره دو شاخه گل
فرش کلاردشت		نقش گل مخملی
		سرو خمیده
		نقش مایه چنار
		گل تک شاخه
		نقش چلیا با نام گل ۴ پر
	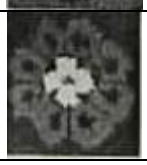	گل ۸ پر

		نگاره درک چنگ

منبع: نگارنده

یافته های تحقیق:

نگاره ی «درخت» یکی از نمادهای گیاهی است که گاه با ظاهری طبیعت گرا و گاه به صورت انتزاعی نمایش داده شده است و بازتابی از آئین و باورهای انسان قدیم می باشد.

درخت: در بسیاری از ملل جهان، قدیمی ترین گیاه اساطیری «درخت هستی» است که جهان بر پایه آن بنا شده است.بنابراین به عنوان درختی مقدس در نظر گرفته شده و ستایش می شود .در کشورهای مختلف درختان مختلفی مانند :کاج، انجیر، نارگیل و ...بعنوان درخت مقدس شمرده شده اند.اهمیت اساطیری درخت در میان ایرانیان باستان را می توان نشأت گرفته از داستان آفرینش نخستین پدرو مادر بشر، مش و مشیانه دانست.گیاهان در باور زرتشتیان اهمیت خاصی دارند.به طوری که چهارمین مرحله آفرینش را، آفرینش گیاه می دانند.نماد های گیاهی در اعتقادات پیروان زرتشت از لحظه آفرینش جهان تا تولد پیامبرشان و نیایش های دینی، حضوری جدی دارند و گیاهان در این آیین پیام جاودانگی و ابدی دارند.درخت در باور ایرانیان نماد جاودانگی، شاه،مقام سلطنت (پورخالقی جترودی، ۱۱۶)

میراجا الیاده دلیل تقدس درخست را در این می داند که «درخت عمودی است و می بالد و برگ هایش می ریزند و دوباره می رویند و در نتیجه تجدید حیات می کند.ریشه ی این اعتقادات در تصور عرفانی درخت، به عنوان نمودی از زیست و حیات است.درخت به این خاطر که واقعیت ماورایی بشر را آشکار می سازد مقدس (الیاده، ۲۶۲، ۱۳۸۵)

درخت زندگی:درختی که نمادی از حیات دنیایی انسان است .در ایران درخت هوم به عنوان درخت زندگی و درخت مقدس مورد ستایش قرار می گیرد .اگر درخت توسط جانوران دربرگرفته شده باشد می تواند نماد «مرکز» باشد و زندگی و جوانی در آن جاری ست .درخت انار،درخت انگور و حتی درخت سرو ایرانیان به دلیل فرم خاصی که میوه هایشان دارد می تواند نماد باروری و حاصلخیزی باشد .بانوی حاصلخیزی(ایشتر)یا(اینانا)در بعضی از نقوش شاخه ای از درخت زندگی با خود حمل می کند با این مقصود که او پاسدار زندگی در سرتاسر زمین است.در افسانه ها و اساطیر مربوط به درخت زندگی به این موضوع برمی خوریم که اعتقاد به درخت زندگی، ریشه ای کهن در فرهنگ شرق و ایران باستان دارد .درخت حیات و درخت معرفت در بهشت روییده اند .از درخت زندگی در کتب آسمانی نیز نام برده شده است.در فرهنگ و ادب عرفانی درخت زندگی به عنوان نمادی از جاودانگی ست .در حقیقت تداوم استفاده از این نماد در هنر مازندران قبل و بعد از اسلام نشان دهنده اهمیت همیشگی این نقش می باشد.با تغییر دین و مذهب مردم، نمادها رنگ و بوی دیگری به خود می گیرند.

گل:در باب اساطیر مربوط به گل در فرهنگ ملت های مختلف، رویش گل های مختلف را به الهه های گوناگون سبت می دهند .نیلوفر شرقی یا سوسن یا گل سرخ غربی نمادی جهانی است.نماد مرگ و تولد مظهر همه ی روشنگری ها،آفرینش،باروری،تجدید حیات و بی مرگی است.کم بودن عمر گل سرخ مظهر مرگ و میرایی و غم است .گل در دست بافته های زنان نماد باروری است .الهه مربوط به گل ها در فرهنگ های شرق و غرب به صورت مادینه ظاهر می شود .در ایران، بنابر منابع کهن اساطیری مانند بندهش سرشت گل ها از آن ایزدان و امشاسپندان است و گل ها را موجوداتی آسمانی می دانند.گل به دلیل زیبایی و لطافت در روزگاران کهن برای مردم ایران بسیار با اهمیت بوده تا جایی که نام ایزدان خود را با نام گل خطاب می کردند.دو گل نیلوفر ابی و آفتابگردان در هنر ایران بیشترین الهامات را داشته اند .گل نیلوفر آبی نمادی از آب ها و آفتابگردان نمادی از مهر بوده اند «در باور اطیری ایرانیان این دو گل نمادی از فره ایزدی می باشند .وضعیت های مختلف زندگی و چرخه ی حیات را می توان با نمادهای گیاهی از جمله گل نشان داد .نمادهای گیاهی به طور کلی نشانه هایی

هستند از مرگ و زندگی دوبار (کوپر، ۱۳۷۹: ۳۱۹-۳۱۸) گل در اوج زیبایی و طراوت مظهری از حیات است. گل هم نشانه ی زمان است و هم ابدیت .گل های پنج پر،گل سرخ و امثال آنها نماد باغ های خوشبختی هستند.جمع شدن این نمادها بر روی آثار دستی مردم روستایی، می تواند تمنای ساده ای از بهشت باشد .تعداد پرهای گل می تواند در آثار منقوش معنای خاصی داشته باشد.برخی معتقدند که تعداد پرهای گل ، به فانتزی های هنرمند مربوط است و هنرمند با توجه به ذوق و قریحه اش در هر اثر هنری می تواند بعضی از گل ها را چهار، پنج، شش و گاهی حتی بیست و چهار پر بزند . در بعضی از نقوش تعداد پرهای گل به اعداد مقدس اشاره دارند .گل های چندپر از زمان قدیم مظهر خورشید بوده است.در ایران باستان گل دوازده پر نماد ماه های سال، گل چهارپر نماد فصول سال بوده ایت .از آنجایی که مردم مازندران آئین زرتشتی و میترائیسم داشته اند، گل جایگاه خاصی در فرهنگ آنها داشته است و حتی پس از اسلام نیز کاربرد آنها تداوم داشته است .این یکی از دلایل اهمیت کاربرد نقوش گیاهی
در هنر دستی منطقه می تواند باشد.

معرفی دست بافته های شاخص مازندران و نقش مایه های گیاهی موجود در آنها

نمد :هنر نمد مالی یکی از عمده ترین هنرهای دستی مردمان روستانشین است.نمد علاوه بر پوشش کف اتاق بعنوان البسه هم کاربرد دارد.نمدها دارای اشکال گوناگون هستند و به دو گروه کلی تقسیم می شوند:لباس ها و مفرش ها. لباسهای نمدی مانند:شولا، کلاه گیر(نوعی کت بلند)، کلاه، عرق گیر(جوادی پور، ۱۳۸۶: ۳۷)
مفرش های نمدی مانند : نمد زیرچراغی، نمد هلالی، نمد چهارگوش.

نقشمایه های نمد:نقوش نمد معمولا به پنج موضوع تقسیم میشود:نقوش هندسی-نقوش طبیعی-نقوش گیاهی- نقوش انتزاعی - نقوش حیوانی.

نقش های گیاهی شامل انواع گل و درخت می شود.درختان سرو به شکل تجریدی در ترکیب با نقش محراب در بسیاری از نماهای مساجد بکار رفته است.نقش بته جقه در قالی هایی که به عنوان مفرش در منازل روستایی استفاده شده است، مشاهده می شود .انواع گل های چهارپر و هشت پر در نمد ها استفاده شده است.

میل بافی:یکی دیگر از هنرهای دستی مردم مازندران میل بافی است .نوع نقوش بکار رفته، نقوش بومی است که از قدیم در این منطقه مرسوم بوده است .بافته های با میل عموما شامل:جوراب، دستکش، روچراغی، رومیزی،کلاه ،جای سوزن ، روسری و . .... از مهمترین نمونه های این بافته ها جوراب است.در روستاهای بابل، سوادکوه،و مناطق کوهستانی غرب مازندران که در ارتفاعات قرار دارند، فراوانی نقوش و جذابیت طرح و رنگ در بافته ها دیده می شود.

نقشمایه های میل بافی:نقش گیاهان در مناطق مختلف تقریبا مشابه است.اما در مناطق گوناگون نام های متفاوتی به خود می گیرد.نقش ها و نام ها از یک روستا به روستای دیگر متفاوت است.نقش مایه های گیاهی بانامهایی چون :داری، برگ دار، واش تی تی، چهارگل، انارتی تی دست بافته های میل را مزین می کند.

جاجیم :بافت هایی از پشم های رنگین تابیده است که زبر می باشد و برای پیچیدن رختخواب بکار میرود .روستای آلاشت در مازندران از مراکز مهم بافت جاجیم است .بافت جاجیم توسط زنان انجام می شود.

نقش مایه های جاجیم :جاجیم معمولا ساده بافته می شودو بعد از بافت حاشیه،نقش اندازی در اصطلاح «گل» نامیده می شود، صورت می گیرد .در میان نقوش جاجیم آلاشت نقوش هندسی و نقوش گیاهی دو گروه اصلی هستند .نقش های گیاهی شامل درخت، درخت و آتشدان، گل و بینجیرک می باشد.

گلیم: در مازندران انواع بافته های گلیم با نام های «گلیج»، گلیمچه، و [مام سری» وجود دارد که با نام محلی
در آن بافته می شود، شناخته می شود .گلیمچه متکازین از قدیمی ترین دست بافته زیرانداز است .این
دست بافته در مناطق مختلف مازندران با نقش، نام و طرح های مختلف تولید می شود.

نقش مایه ها در گلیم :نقش مایه های گلیم کاملا سنتی و بیشتر برگرفته از طبیعت پیرامون بافنده است و بافنده نقشه را به صورت ذهنی می زند .نقش های متفاوتی در گلیم های منطقه وجود دارد .نقش های هندسی،ابزاری، جانوری و گیاهی .نقوش گیاهی شامل:بینجیرک(بینجک یا دانه برنج)، گت گل(گل درشت)، درختچه، دوشاخه گل، گل چهارپر،درداری و تک گل میباشد.

چادرشب :چادرشب یکی از صنایع دستی مردم گیلان،مازندران و گلستان است .چادرشب یا(لابند یا لاوند) در اکثر مناطق مازندران استفاده شده است.این محصول به عنوان رختخواب پیچ استفاده می شود .در مناطق غربی مازندران به دلیل نزدیکی با گیلان و تأثیر پذیری، چادرشب های متنوعی با انواع نقوش انسانی، حیوانی و گیاهی با نقش های هندسی بافته می شود.چادرشب بافی از دوران گذشته کاربرد عمومی داشته و تقریبا همه نیازمندیهای مردم از جمله کت و شلوار و پیراهن، روتختی، سفره،بقچه،روسری و ...را شامل می شد .اقتصاد خانواده از این راه تأمین می شد .چادرشب اکثرا توسط زنان بافته می شد .چادرشب ها انواع مختلفی دارند .مانند :ساده و راه راه(چهارخانه)مخصوص پیراهن یا شلوار-چادرشب های گل و بوته دار .بر روی چادرشب های گل و بوته دار نقوش اصیل و کهن تکرار می شوند.

نقش مایه های چادرشب :نقوش به کار گرفته شده در چادرشب های گل دار از موضوعات اطراف بافنده چادرشب است . بافنده گاهی طبیعت اطرافش را توصیف و گاهی از حکایت زندگی اش می گوید .بافنده با تکرار نقش هایی از گذشته علاقه خود را به گذشتگان نشان می دهد .موضوعات چادرشب های گل دار به پنج دسته تقسیم می شوند:

نقش انسان، عناصر طبیعی، گیاهان، حیوانات،اشیاء کاربردی و ابزا ر نقش مایه های گیاهی شامل انواع درختان

سرو و چنار .تصاویر ایجاد شده از این نقوش هیچ گاه مانند تصاویرشان در طبیعت نیستند بلکه بافنده با استفادهازذهن خود آنها را به صورت تزئینی ایجاد می کند.

ساچیم بافی:یکی از دست بافته های سنتی ایران که شباهت بسیاری با جاجیم دارد،ساچیم است .تنها تفاوت آن در کمتر بودن پهنای قطعات جاجیم است.ساچیم دارای نقوش هندسی ساده و افقی است.

نقش مایه های ساچیم:نقوش به انواع انتزاعی، گیاهی،حیوانی و اشیاء کاربردی تقسیم می شوند:نقوش گیاهی ساچیم بافی محدود هستندو تنها دو شکل گل چهار پر و هشت پر را شامل می شوند.

پاپیچ:نوعی پارچه دست بافت پشمی است که در اکثر روستاهای کوهستانی و سردسیر مازندران تولید می شود. پاپیچ مورد استفاده چوپانان و کشاورزان قرار می گیرد .این دست بافته بیشتر برای پوشیدن درفصل سرما مورد استفاده قرار می گیرد.بافت آن به شیوه چادرشب می باشد.

نقش مایه های پاپیچ:پاپیچ نقش خاصی ندارد و فقط در حاشیه آن نوار تزئینی منقوش وجود دارند که شبیه به گل های چهارخانه است .در بیشتر پاپیچ ها نقشی شبیه به گل لت در جاجیم استفاده می شود که به آن بینجرک می گویند.

فرش:در مازندران در روستای کلاردشت قالی هایی با بافت های غیر معمول تولید می شود که نشان دهنده ی این است که منبع درآمد بافندگان آن است .با این حال قالی های زیادی برای استفاده ی شخصی و نصب بر روی دیوارها تولید می شوند.بافندگان در اثر کثرت انجام کار نقش ها را بدون نقشه و در مواقعی با تغییرات در نقوش آباواجدادی ا جاد می کنند و طرح های جدیدی را به وجود می آورند.

نقش مایه های فرش:طرح و نقشه های این قبیل قالی ها اکثرا تصاویر گل ها و برگ ها و حیوانات و پرندگانی هستند که در نزدیکی آنها قرار دارند .به این دلیل که بافندگان طرح ها را ذهنی ایجاد می کنند هیچ دو قالی ای که شبیه هم باشند، یافت نمی شوند.نقش های موجود بر روی قالی ها به انواع:نگاره های گیاهی،نگاره های جانوری،نگاره های هندسی،نگاره های ابزاری تقسیم می شوند.نگاره های گیاهی شامل نقش های گل هایی با نام چهارقجلکفگل چهارواز،گل داری،گل نیم دایره ای،پیچاچنگ،ورگ چنگ،گل کلوچه ای،گل هشت پر،درخت و بز و دو پرنده می باشد.در بعضی موارد نقوش با نهایت مهارت از اشکال جانوران و گیاهان و درختان به هم تابیده شده است که حاکی از جهان بینی،طبیعت شناسی و باورها و اعتقادات مردم این خطه استوار است.

مفاهیم نمادین در نقش مایه های گیاهی هنرهای بومی:

با توجه به نقش مایه های گیاهی معرفی شده،نقوش در چهار موضوع اصلی:نقوش درخت،نقوش گل،نقش دانه و نقش ترکیبی (گیاه به همراه نقش دیگر) مطرح می شوند.این نقوش به لحاظ نمادگرایی و ارزش بصری مورد بررسی قرار می گیرند. نقوش درختی و گل ها بیشترین اهمیت را در دستبافته ها دارند.

نقش درخت در هنر بومی مازندران :درخت در همه ی تمدن های بشری از جایگاه ویژه ای برخوردار است.

حضور پررنگ اسطوره درخت زندگی در طول تاریخ در بسیاری از تمدن ها بازگوکننده ی این حقیقت است که بشر از ابتدا در اندیشه ی جاودانگی و حیات ابدی بوده است.(حجازی، ___: ۱۰۶)

نقش مایه های گیاهی در فرهنگ محلی مازندران و هنر بومی منطقه به صورت قابل ملاحظه ای خودنمایی می کند. بیشتر این نقوش به صورت انتزاعی هستند.مردم محلی گاهی اوقات از نقش درخت به صورت عام و گاهی با نام خاص استفاده می کنند. نقش درختان از لحاظ موضوع به سه دسته نقش گیاه، درخت، سرو و چنار تقسیم می شود.

گیا ه-درخت در هنر بومی مازندران: نقوش گیاهی از قدیمی ترین موضوعات مورد علاقه آدمی در دست ساخته هایش بوده است.دارای مضامینی است که همیشه مورد پسند مردم روستایی بوده و در همه ی هنرها و صنایع روستایی می توان آن ها را مشاهده کرد « درخت پای در خاک و سر بر آسمان، با سبزینگی انبوه و دگردیسی اش در بستر فصول، در نگاه انسان همواره چیزی بیش از یک گیاه معمولی بوده است و بیان گر رابطه ای رمآلود بین اجزای اصلی اش یعنی: ریشه،تنه و شاخه هایش با جهان دوزخ، جهان میانی یا زمین و جهان والا یا بهشت است.»(حجازی :۱۰۹)

در جهان اعتقادی انسان،درخت با وجود بی تحرکی، نمادی از تولد، و تکامل به طور کلی زندگی دانسته شده هم جلوه های قدسی یافته است.» (بهار، ۱۳۷۶: ۳۹) ریتمی یکنواخت که از تکرار منظم یک عنصر در نقوش گیاهی مازندران دیده می شود در نقوش درختان بسیار ملموس است .شاید هنرمند مازندرانی با الهام از طبیعت پیرامون به چنین نظم و هماهنگی در آثارش رسیده است « در بسیاری از نقاط ایران مردم درختان را مقدس می دانند و به آنها دخیل می بندند.از این نمونه درختان در فرهنگ و هنر مازندران نیز وجود دارد.درخت مراد(در زبان مازندرانی «آقادار») در بسیاری از از اماکن متبرکه روستاها وجود داردکه اغلب درخت سرو یا چنار چند صد ساله است. مردم در پای این درختان قربانی می کنند یا به آنها نوارهای پارچه ای می بندند تا به واسطه آن درخت مقدس، گره مشکلشان به دست خداوند باز شود.» (حجازی، ۱۱۲: ____) «از ایام کهن، نقش درخت همانند آیینه ای تمام نمای انسان و عمیق ترین خواسته های او بده است.» (دوبوکور، ۱۳۸۷: ۸) این نگاهر ایجاد کننده انبوهی از رموز است که در هنرهای بومی مازندران مشاهده می شود.بسیاری از اقوام باستانی درخت را به عنوان جایگاه خدا و در واقع خدا پرستش می کردند.درخت،منبع باروری،نماد دانش و حیات جاودانی بود .درخت نمودار واقعی گیاه و حیات گیاهی بر کره خاکی است.درخت در نمادپردازی های اسطوره ای در جهان، نمادی از زن و همه نمادهای مادینگی است زیرا رویکردهایی مانند تغذیه،سایه افکندن که از صفات مادینگی است به درخت نسبت داده می شود.درخت در نظام تصورات انسان از عالم هستی به صورت رکن و پایه هستی و ارتب اط دهنده ی میان آسمان و زمین و تحت عنوان ستون گیتی یاد می شود.نقش مایه های گیاه- درخت در درختان اسطوره ای در فرهنگ محلی با دقت فراوان در آثار هنری قرار گرفته اند.

سرو در هنر بومی مازندران:درخت سرو به عنوان یک نماد مذهبی و خرمی و همیشه بهاری، از دیرباز در ایران سرو راست قامت مانند مورد و سداب وهوم، مقدس و از دیرباز علامت خاص ایرانیان بوده است.» (حجازی، ۱۱۴: ___) از نظطر برخی انتساب صفت آزادگی به سرو یادگار ارتباط آن با ناهید است که در اساطیر

و افسانه ها رمزی از ازادگی و آزادی به شمار می آید.از لحاظ روانشناختی سرو نمایانگر «یک قوه پنهانی کامل است و از لحاظ زیستی، درختی است که اصل مؤنث و مذکر را در وجود خود توأما دارد.این فرم تحت عنوان «نرد کامل» شناخته شده است و وجه تسمیه آن اطاعت او در مقابل باد است که تمثیلی از فرمان برداری فرد مسلمان از شریعت می باشد.» (۱۳۷۹: ۱۲۱)

در آئین های قدیمی ایران گفته می شود مهر یا میترا خدای ایرانی، خدای همیشه جوان محسوب می شود و علت انتساب درخت سرو به میترا نیز احتمالا همین است .وجه تمایز در منزلت خاص سرو است به عنوان درخت مقدس و یک مظهر رمزی

مذهبی و نشانه ای نمادین از خرمی و همیشه بهاری و نیز مردانگی. اعتقاد ایرانیان به اهورامزدا ایزد برتر و سمبل گیاهی اش، یعنی درخت سرو، دلیل دیگری بر اهمیت این درخت است .از آنجایی که مازندرانیها بر دین زرتشت بودند، می توان به علت کاربرد نمادین درخت سرو به عنوان درخت زندگی در مازندران و هنرهای دستی آن پی برد.سرو در دوران اسلامی نماد خرمی و زندگی جاویدان است.بکارگیری و توجه به فضاهای مثبت و منفی در اکثر نقوش گیاهی مازندران کاملا مشخص است.نقش درخت با توجه به شکل ظاهری اش با برگ،یا بدون برگ، با نقش هایی انتزاعی از شاخه و یا ترکیبی از برگ و شاخه استفاده شده است.گاهی نقش درختان به صورت فرم مثلث درمی آید که نشانه آب، حیات و الهام بخش تاریخ مذاهب بیشماری در سراسر دنیاست.مثلث نماد اندیشه و تفکر است .در بعضی از متون کهن، مثلث متساوی الاضلاع نمادی از زمین است زیرا این حالت از مثلث نوعی سکون و استحکام را القا می کند.در هنر بومی مازندران هم نقوشی که با فرم مثلث ایجاد شده اند بر یکی از اضلاع خود پایدار هستند .سرو به عنوان شکل درخت می تواند نشانه آب یا وجود آب و آبادانی باشد.

درخت چنار:در ایران قدیم، چنار؛ مظهر غنا و باروری و سرسبزی، طبیعت و موجب برکت و نعمت خدایان و ارواح بوده است . چنار مظهر شاه و تاک مظهر همسر او بود که از طریق او سلطنت دوام می یافت .در گذشته های دوراگر در کنار چنارهای عظیم اماکن مقدس زرتشتیان یا کلیسا قرار داشت، در حال حاضر امامزاده ها در کنار این درختان قرار دارند «عوام معتقدند که چنار، شاه درخت ها است و چنارهای کهن، برکت و پرمحصولی را به زمین و خانوائده می بخشید و موجب باردار و سلامت زنان می شوند. از این جهت در برخی مناطق چنارهای کهن، درخت مراد تلقی شده اند. برخی نیز معتقند درخت چنار از شیوع تب و بیماری های عفونی جلوگیری می کند.» (یاحقی، ۱۳۸۶: ۳۰۴-۳۰۵)

«درخت چنار از جمله درختان مورد توجه ایرانیان بوده است .چنار عظیم ترین و پرعمرترین درختان ایران است.گسترش شاخه های چنار کهن به هرسو چنان است که پهنه ای بزرگ را زیر سایه خود می گیرد و چنان بلند و افراشته است که از دوردست دیده می شود، اما تنها بزرگی و سترگی و پرعمری درخت نیست که سبب تقدسآن شده است.تازگی و نو به نوشدن هرساله این کهن درخت افسانه ای در نیز در ستایش انگیز شدن و جادویی شدن آن بی دلیل نیست .چنار هر ساله پوست می اندازد و شاخه های تنومند آن به رنگ سبز روشن درمی آید و این تازه شدن هرساله آن مانند همیشه سبز بودن درخت سرو، بدان تقدسی خاص می بخشد، زیرا حفظ قدرت جوانی یکی از شرایط لازم برای باروری است و آن را مظهر برکت و نعمت بخشیدن ابدی خدایان و ارواح میکند.نقش درختان چنار در فرش کلاردشت و چادرشب های غرب استان نمایان گر تداوم اهمیت فرهنگی و آیینی این درخت حجازی، .«) در طول سالیان به عنوان نماد کهن سالی، تقدس و برکت در فرهنگ مازندران می باشد. (حجازی، ۱۳۰: ____)

نقش گل:گل در فرهنگ ایران نماد زیبایی و لطافت است و هر آنچه را بخواهند زیبا و لطیف تعبیر کنند به گل تشبیه می کنند .کلا واژه ی گل و انواع خاص آن در فرهنگ و ادبیات ایران دارای ارزش معنوی جالب و ظریفی گل یکی از موضوعاتی است .» هستند.سنت های بومی، یک عنصر مؤثر در توین نقش مایه های گیاهای گل است که در آثار هنری ایران کاربرد گشترده ای دارد و این عنصر تزئینی به صورتهای مختلف در آثار هنری به ویژه در منسوجات، ساسانی نمود پیدا می کند.» (حجازیف ۱۳۱: ____) گل ها از نظر تعداد گلبرگ ها به دسته های تک شاخه، گل چهارپر، گل هشت پر تقسیم می شوند.

گل تک شاخه:در هنر مازندران گل تک شاخه در دست بافته های زنان نماد باروری می باشد.بکارگیری نقوش گل می تواند نمادی از باغ، ب هشت،شادی و نمادی از زیبایی و خیرخواهی باشد.

گل چهاپر : از نقش مایه های کهنی است که شاید قدمت آن با قدمت حیات بشر برابر باشد «گل چهارپر با نام فارسی چلیپا نماد ساده خورشید تابان است، ممکن است چهار خط آن نماد فصل های سال و یا نماد چهارعنصر اصلی آب، باد،خاک و نور باشد.عدد چهار در این نقش می تواند به اهمیت فصول سال و تأثیرشان در کشاورزی،چهار عنصر هستی، چهار جهت اصلی، چهار ستاره اصلی در چهار طرف جهان،چهار طبقه اجتماعی در دین زرتشت و چهار نماز مهم زرتشتی دلالت کند.» (حجازی، ۱۳۷: ___)

گل هشت پر: گل هشت پر مظهر آفتاب است «گل هشت پر دو رنگ می تواند نماینده چهار فصل و تمایز آنها از یکدیگر باشد و نیز پدیده ای رمزی از عدد چهار که از اعداد نیک بوده است.» (پرهام، ۱۳۷: ۱۰۴) «در نزد شعیاین ستاره و گل هشت پر نماد هشتمین کوکب آسمان امامت حضرت امام رضا (ع) می باشد.» (آیته اللهی، ۱۳۸۷: ۲۳) «اگر گل های هشت پر در قالب فرم دایره قرار می گیرند که نماد آسمان است با حرکت دورانی و بدون زوالش، در سطح دیگری از تفصیل آسمان خود تبدیل به نماد می شود. نماد عالم معنا، نادیدنی و ماورایی است دایره را نمادی از خداوند تعبیر کرده اند. خداوند دایره ای است که همه جا مرکز آن است و هیچ جا محیط آن نیست.» (کویر، ۱۳۷۹: ۱۴۰).

نقش دانه برنج: این نقش به دلیل اهمیت این عنصر گیاهی که در طبیعت مازندران به رنج و مشقت فراوان به دست می آید. نمادی از برکت و فراوانی است. «با توجه به اهمیت این ماده حیاتی در فرهنگ و اعتقادات بومی مازندران است از این نقش مایه به عنوان نمادی از برکت در منطقه امری منطقی می نماید. برنج ماده زنگی در شرق است. نمادی از برکت و فراوانی روزی خداوند در خانواده می باشد.» (حجازی، ۱۵۲: ___)

بحث و بررسی:

استفاده از نمادها در واقع برای نمایش مسائل معنویی هستند که انسان ها را به جهان متصل می کرده است که بنابر نظریه لوتمان الویت نه با این نشانه یا آن نشانه بلکه سیستم بزرگتری مانند جهان که همان سپهر نشانه ای می شود، است .در واقع جهان همان تمامیت فرهنگی و اعتقادات و باورهای مردم است که تک تک این سمبل ه او نشانه ها را به وجود آورده است زیرا در درک نشانه ها و سمبل ها فقط خود سمبل مهم نیست بلکه تمامیت آن که مجموعه بزرگتری مانند کل فرهنگ را شامل می شود، در برمی گیرد.در اصل می توان گفت کلیت فرهنگی ای که باعث به وجود آمدن این نمادها و نشانه ها شده است بیشتر از خود آن نشانه ها اهمیت دارد. چون هنرمند برای نشان دادن یک بازنمایی کلی تر و جهانی فراتر از حد تصورش از این نشانه ها استفاده می کند .این نشانه های واحد در ارتباط با نشانه های دیگر از زندگی به عنوان یک کل به بخش فوق طبیعی امتداد پیدا می کنند.

بنابراین کل طبیعت یک رمز است و به عنوان نمادی است که ما را از حقایق آگاه می کند «از خاصیت نمادگرایی آن است که نماد و آنچه که نماد مظهر است را درون یک نظام واحد وارد می کند، چرا که حرکت یا گردش را از سطحی به سطح دیگر محدود نمی کند بلکه تمامی این واقعیت را بدون این که تشخیص هر یک از میان برود و با دیگری آمیختگی غیر قابل تجزیه ایجاد کند به صورت واحد درمی آورد.» (ستاری، ۱۳۶۶: ۱۴) در نمادپردازی هیچ پیش داوری نسبت به ارزش اصلی یک موضوع نمی شود بلکه ارزش جدید به آن افزوده می شود. در یک تفکر نمادین واقعیت مستقیما بدون کم شدن ارزش انتقال می یابد. در واقع هیچ شیئی به تنهایی برای خودش هستی ندارد، بلکه همه چیز نظام بهم پیوسته ای از تطابقات و تشابهات در کنار یکدیگر قرار می گیرند.بر طبق باور لوتمان دو مؤلفه است که فرهنگ را تعریف می کند۱- اینکه فرهنگ حاوی اطلاعات است .۲-این اطلاعات قابل تبادل و انتقال است .در نظریه فرهنگی لوتمان، فرهنگ نمی تواند شامل همه چیز شود بلکه تنها به شکل زیرمجموعه ای از یک کل قابل تصور است.

درخت به عنوان یک نماد از مرکز جهان در نظر گرفته می شود که زندگی در آن جاری ست .درخت یکی از سمبل هایی است که در نظام سپهر نشانه ای به عنوان جزئی از کل که همان جهان است و این جزء در مرکز کل قرار دارد، در نظر گرفته می شود .درخت بیانگر یک رابطه ی رمز آلود بین اجزای خودش :ریشه، تنه و شاخه هایش می باشد .که هر کدام نمادی از یک نظام کلی تر یعنی جهان دوزخ (ریشه)، جهان میانی یا زمین (تنه) جهان والا یا بهشت (شاخه) می باشد .همه ی این نظام های نشانه ای در یک تمامیت کلی به یک جهان واحد اشاره دارند.

«در جهان اعتقادی انسان، درخت با وجود بی تحرکی، نمادی از تولد، رشد و تکامل به طور کلی زندگی دانسته شده و هم جلوه های قدسی ساخته است.» (بهار، ۱۳۷۶: ۳۹) درخت در نظام تصورات انسان از عالم هستی به صورت اساس و پایه ی هستی و با عنوان ارتباط دهنده ی میان آسمان و زمین، تحت عنوان ستون گیتی یا جهان نام برده می شود.

درخت سرو در بعضی از نقوش به شکل مثلث بکار می رود که در بعضی از موارد مثلث نمادی از زمین است، که سکون و استحکام را القا می کند .در بعضی موارد نشانه آب و آبادانی ست .بنابراین میتوان نتیجه گرفت که درخت به عنوان یک نشانه از یک نظام کلی تر مانند حیات جاودان و رستاخیز درنظر گرفته شده است. درخت چنار چنان بزرگ و بلند و افراشته است که به عنوان نمادی از کهن سالی، برکت،همیشه سبز بودن در نظر گرفته می شود .شاید هنرمند درخت چنار را به این دلیل که همه چیز را در زیر سایه ای از خود می گیرد به عنوان نمادی از یک نظام واحد که همان خداست و همه چیز را در زیر چتر خود دارد درنظر می گیرد.نظامی کلی که همه ی نظام های دیگر در ارتباط با یکدیگر در نهایت وصل به آن نظام کلی می باشند و به تنهایی معنایی ندارند.

چرخه ی زندگی و حیات را معمولا با شکل گل نشان می دهند.حیات یک نظام کلی را در بر می گیرد که شامل نظام های نشانه ای ریزتری مانند مرگ و زندگی، زمان، ابدیت، خوشبختی و ... است که هر کدام از این ها با وجود یک نظام کلی به عنوان حیات معنا پیدا می کنند. گل با شکل های مختلفش: تک شاخه، چهارپر، هشت پر نمادی از نظام های نشانه ای کوچکی است که همه وصل به نظام کلی تری به نام زندگی ست .هر کدام از این نشانه ها مانند شادی، خوشبختی،چهار ستاره اصلی(گل چهارپر)، جهت های اصلی و ...هر کدام در یک نظام کلی تر باعنوان زندگی معنا می یابند .به عنوان مثال شادی زمانی معنا می یابد که در مجموعه کلی تری به نام زندگی نمود پیدا کند، در غیر اینصورت شادی به تنهایی هیچ معنایی ندارد .گل هشت پر که در قالب فرم دایره نشان دایره را نمادی . » داده م ی شود، نماد آسمان است که حرکت دورانی اش به عنوان نماد عالم معنا و ماورایی است از خداوند تعبیر کرده اند،خداوند دایره ای است که همه جا مرکز آن است و هیچ جا محیط آن نیست.» (کویر، ۱۳۷۹: ۱۴۰)

جدول نماد شناسی نقوش گیاهی

نقش مایه		نماد
درخت	درخت گیاهان	زندگی – مادینگی – رابط آسمان و زمین
	سرو	درخت حیات جاودانی – همیشه بهاری – آزادی و جوانی
	چنار	طول عمر – سرسبزی و برکت – نعمت بخشی
گل	کمک شاخه	نماد خورشید – ۴ فصل سال – نماد میترا – امام هشتم
	چهارپر	۴ فصل سال – ۴گوشه زمین – خورشید – عناصر ۴ گانه
	هشت پر	باغ و بهشت – شادی و زیبایی – خیرخواهی
دانه	دانه برنج	نماد برکت – فراوانی – کسب روزی

زندگی -مادینگی - آزادی و جوانی - طول عمر - چهار فصل سال - چهار گوشه زمین - خورشید - عناصر چهارگانه - باغ و بهشت - شادی و زیبایی – خیرخواهی - فراوانی و . ...همه اینها از مصادیق فرهنگ بومی هستند که ریشه در اعتقادات و باورهای مردم دارند.باورها و اعتقاداتی که مردم علاقه دارند آنها را به صورت نمادین در هنرهایشان بکار گیرند. این زبان نمادین را به عنوان یک زبان همگانی برای انسان ها می‌توان در نظر گرفت.

نتیجه گیری:

صنایع دستی در استان مازندران با استقبال ۹۰۰۰۰ نفری روبروست .این تعداد در کل استان در رشته های مختلف مانند سفال گری، صنایع چوبی و انواع دست بافته ها مانند گلیم، جاجیم، چادرشب، نمد مالی، حصیربافی، موج بافی (رختخواب پیچ)و ...در کارگاهها و تعاونی ها فعالیت می کنند.بخشی از اقتصاد مناطقی از مازندران که در آن ها فعالیت صنایع دستی انجام می شود بر پایه تولیدات دستی است که نقش مهمی را در امرار معاش خانواده های روستایی دارد .عواملی مانند

پرداختن به دامداری و تبدیل مواد اولیه مانند پشم، کرک و ...به کالاهای دستی و همچنین نبود مسیر دسترسی آسان به شهرها انگیزه را در روستاییان برای تهیه پوشاک،زیرانداز و ...بیشتر کرده است.

همین امر در شیوه بافت سنتی و ایجاد نقوش، نقش مهمی را بر عهده دارد .علاوه بر آن باورها و اعتقادات فرهنگی و قوم و قبیله ای تولیدکنندگان بر اصالت نقش ها می افزاید.نقش زنان در اقتصاد سنتی مازندران بسزاست .زنان مازندران پابه پای مردان در انجام امور معیشتی نقش دارند از جمله صنایع دستی که شامل انواع دست بافته هاست از جمله ی مشاغل خاص زنان است .از آنجایی که دست بافته ها توسط زنان انجام می شود، نقش های موجود را می توان متأثر از ذهن زنان در برخورد با جامعه و بافت فرهنگی دانست .بنظر می رسد تلاش زنان بافنده روستایی در اصالت بخشیدن به بافت و طراحی نقوش و بالا بردن سطح کیفیت آثار تصویری و نمادین، اغلب متأثر از بعد روحی و معنوی فرهنگ عامه است و با نحوه معیشت، نظام شغلی و اقتصادی آنها رابطه نزدیک دارد .با دیدن نشانه های تصویری به این نتیجه می رسیم که هیچ نقشی به طور تصادفی و بدون هدف شکل نگرفته است بلکه کاربرد آن مبتنی بر اعتقادات و آداب و رسوم مردم منطقه بوده است .بنابراین اغلب نقوش رمزی و نمادین هستند . نقوش گیاهی دست بافته ها ی مازندران متأثر از بعضی عقاید مذهبی زرتشتی، مهری و اسلامی هستند.

درخت در ایران جایگاه ویژه ای داشته و آن را به عنوان جایگاه خدا می دانستند .اکثر نقوش بکار رفته دارای ارزش نمادین می باشند .از آنجایی که دین نقش اساسی در فرهنگ بشر داشته است، آمیختن آن با هنر موجب شده است تا هنرمند نقشمایه ها را به صورت نمادین در آثارش استفاده کند تا پیامی را که مد نظر او بوده بتواند انتقال دهد .طبیعت مهم ترین عاملی است که در ایجاد نقوش بر روی آثار هنرهای بومی تأثیر گذاشته است .این طبیعت همان نظامی است که در رویکرد سپهر نشانه ای از آن به عنوان یک نظام واحد و کلی تر یاد می شود که از نشانه های مختلفی که به به صورت نمادین استفاده شده اند تا هر کدام پیامی را به بیننده القا کنند،تشکیل شده است.نشانه هایی که هر یک به خودی خود معنایی ندارند و هر کدام از پس دیگری معنا می یابن د .تنها وجود سپهر نشانه ای است که معنای نمادین را معنا می کند و اندیشه ای را که در پس هر نماد نهفته است را اندیشه می سازد .فرهنگ به عنوان یک نظام کلی باعث معنابخشی به هریک از نقوش نمادین استفاده شده در آثار بومی می شود.در این پژوهش سعی شد به فرهنگ مازندران که مردم آن ارتباط نزدیکی با طبیعت دارند، به همین دلیل فرهنگ متأثر از طبیعت می باشد و نقوش گیاهی مورد استفاده در آثار بومی پرداخته شود.در این تحقیق به صورت مختصر و اجمالی به توضیح نقوش و نقش نمادین آنها پرداختیم و سعی شد جایگاه نمادین آنها در نظام سپهر نشانه ای بررسی شود. جا دارد در این راستا به بررسی های جزئی تر و دقیق تری پرداخته و هر کدام از نقوش به صورت مجزا در نظام های نشانه ای مورد بررسی قرار گیرند تا آشنایی بیشتری با نقوش و مفهوم نمادین آنها برقرار گردد.

منابع:

۱- پاکزاد، ناهید، (۱۳۹۱)، دست بافته های روستایی مازندران، ساری، جهاد دانشگاهی واحد مازندران، ایران.

۲- رستمی، مصطفی، (۱۳۸۶)، دست بافته های سوادکوه، تهران، انتشارات فرهنگستان هنر،

۳- یاوری، حسین، (۱۳۹۰). شناخت صنایع دستی ایران، تهران، مهکامه.

۴- کاظم پور، زیبا، بررسی درخت زندگی در هنر ایران و نمود آن بر فرش های ایرانی، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته پژوهش هنر، دانشگاه هنر اصفهان، دانشکده هنر ادیان و تمدن ها.

۵- عابدی نژاد، پیمانه، (۱۳۹۳)، پیوند نگاهر های دست بافته های هزارجریب مازندران با فرهنگ و باورهای بومی منطقه، (پایان نامه کارشناسی ارشد) دانشگاه مازندران.

۶- عابدی نژاد، پیمانه (۱۳۹۳). طبقه بندی نقوش دست بافته های بومی شهرستان بهشهر، دانشگاه م ازندران.

۷- پاکزاد، ناهید، (۱۳۸۷)، شناسایی نقوش جوراب ها و دستکش های سنتی مازندران، فصلنامه هنر، سال اول، شماره ۴.

۸- شایسته فر، مهناز، حجازی، معینه السادات، (۱۳۹۱)، بررسی نقش مایه های تزئینی در جوراب بافی منطقه آلاشت مازندران، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، شماره ۱۶، دانشگاه تربیت مدرس.

۹- جمای، سمانه (۱۳۸۸)، تأثیر فرهنگ بومی بر نقوش دست بافته های کلاردشت، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته صنایع دستی دانشکده هنر.

۱۰- علی اسماعیلی، محمدصادق (۱۳۷۸)، بررسی نقوش سنتی جاجیم آلاشت، پایان نامه کارشناسی رشده صنایع دستی، دانشکده هنر و معماری دانشگاه مازندران.

۱۱- ولی زاده افروزی، علی اصغر (۱۳۸۸). بررسی نقوش سنتی جاجیم آلاشت، پایان نامه کارشناسی رشته صنایع دستی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران.

۱۲- حجازی، معینه السادات، (۱۳۹۱)، بررسی عناصر بصری و مفاهیم نمادین نقوش گیاهی در هنر بومی مازندران، پایان نامه کارشناسی ارشد هنر اسلامی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.

۱۳- حسنی، سیدقاسم، (۱۳۹۵)، مطالعه جامعه شناختی درک و تصور دانشجویان از هویت بومی در مازندران (مطالعه موردی دانشجویان بومی دانشگاه مازندران) فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی – فرهنگی، دوره پنجم، شماره ۳.

۱۴- فلاح نیا، ضحا، (۱۳۹۲)، دست بافته های دستگاهی زنان روستایی شیاده، www.bandpay.ir